

# جام جم

## تنوع ژانر در اکران نوروزی

اکران فیلم در عید ۱۴۰۴ فرصتی برای جذب بیشتر خانواده‌ها به سینما ایجاد می‌کند

### کتاب در عصر صفر و یک

پرویز قراگوزلی در گفت‌وگو با «جام جم» به نقش و جایگاه کتابخوانی در عصر رسانه‌های دیجیتال پرداخت



۱۱&lt;

### فریبا شبیه هیچ بلاگری نیست

عوامل سریال «فریبا» با حضور در روزنامه «جام جم» از چالش‌های تولید و روایت قصه این مجموعه گفتند



۸&lt;

### ۵۴۰ ساعت تلاوت در بهار قرآن

رادیو برنامه‌های مختلفی را برای ماه مبارک رمضان و نوروز تدارک دیده است



۶&lt;

### فارسی، زبان دوم جهان اسلام



محمد جعفر  
پژوهشگر تاریخ زبان  
و فرهنگ ایران

ایرانیان در زمان ورود اسلام با حفظ پیشینه فرهنگی خود، با اندیشه «ایرانی مسلمان» فصل جدیدی را در ادامه تمدن‌سازی‌های گذشته آغاز کردند. ایران در تاریخ چند هزار ساله خود، مهد تمدن، دین و فرهنگ بوده است. از تمدن‌های آریایی، ایران تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، ماد در (۵۵۰ تا ۷۰۰)، هخامنشی (۳۳۰ تا ۵۵۰)، اشکانی (۲۴۷ پ.م تا سده سوم، م) و پس از آن در مقاطعی از تاریخ ساسانیان، تمدن‌های باشکوه و افتخارآمیزی داشته‌اند. در همه این دوره‌های تمدنی، نقش دین برجسته و روشن است. شکوه هر دوره همراه با کارآمدی نهاد دین بوده، به نحوی که ضعف دینی در زمان‌هایی تأثیر مستقیمی در افول تمدن آنها داشته است. در ادامه هم، پس از ورود اسلام، ایرانیان دیری نگذشت که از پایه‌گذاران تمدن اسلامی شدند.

#### نقش زبان فارسی در تمدن اسلامی

یکی از ارزش‌های زبان فارسی، آمیختگی آن با حکمت و معنویت است. در دوره تمدن اسلامی نقش زبان فارسی تأثیرگذار است. اعراب به هر ترتیب، دامنه نفوذ اسلام را تا حدود ایران آوردند اما پس از ایران و هرچه اسلام به شرق آسیا، فرارودان و شبه‌قاره رفت، بخش بزرگی از گسترش آن مرهون کوشش ایرانیان مسلمان بود که اسلام را با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به دورترین نقاط بردند.

نقش شاعران، عارفان و مترجمان پارسی‌گو در این میان برجسته است. در اهمیت زبان فارسی و جایگاه آن در بین مسلمانان همین بس که بنابر قولی سلمان فارسی در زمان پیامبر اکرم (ص) نخستین بار «بسم... الرحمن الرحیم» را به «به نام یزدان بخشاینده» ترجمه کرد و هم‌بود که «سوره حمد» را به فارسی برگرداند و شاید همان مجوزی شد تا مسلمانانی در شرق و شمال شرق آسیا که به اسلام گرویدند، سوره حمد را در نمازهای خود با ترجمه فارسی آن بخوانند. دیگر که نخستین «تفسیر» از قرآن مشهور به «تفسیر طبری» اثر محمد جریر طبری، فقیه، مورخ و مفسر مسلمان و ایرانی سده سوم هجری نوشته و سپس به دست علما و فقهای فرارودان در دوره سامانیان به فارسی برگردانیده شد.

خدمت زبان فارسی به اسلام محدود و منحصر به تفسیر و ترجمه قرآن نیست؛ زبان فارسی روزگاران درازی، زبان رسمی، رایج و زبان فرهنگ، ادب، دین و دانش در گستره جهان اسلام، از جمله ایران، افغانستان، تاجیکستان و بخش‌هایی از آسیای میانه، آتاتولی، فرارودان و هندو پاکستان بوده است. حتی در دوره‌های امپراتوری‌های بزرگ اسلامی مانند سلجوقیان و تیموریان که بر سراسر جهان اسلام حکمرانی می‌کردند، زبان فارسی، هم زبان دانشوری و هم زبان رسمی دربار آنان بوده است.

#### اندیشه و حکمت اسلامی در ادب فارسی

«شعر فارسی» یکی از بزرگ‌ترین میراث‌های ادبی ایران اسلامی است حاوی اندیشه‌ها و آموزه‌های ژرفی که نه تنها در حوزه تمدنی ایران و اسلام بلکه آثار بسیاری از آن به زبان‌های زنده دنیا برگردانیده شده و اندیشه‌های اسلامی و ایرانی را شناسانده است. از جمله می‌توان به ترجمه «شاهنامه فردوسی» اثر فتح‌بن علی بن محمد اصفهانی معروف به «بنداری» در سده هفتم اشاره کرد که مورد استقبال جهان عرب قرار گرفته است و نیز ترجمه شاهنامه فردوسی به ده‌ها زبان زنده دنیا که از سده هجدهم میلادی آغاز شده است.

نمونه دیگر از تأثیر شعر و ادب فارسی بر جهان اسلام، شرح‌های حافظ، «گلستان» و «بوستان» سعدی و «مثنوی» مولوی و دیگر سخنوران پارسی‌گوی مسلمان به زبان‌های دیگر است که از آن جمله می‌توان از شرح احمد سودی (سده دهم هجری) بر دیوان حافظ یاد کرد؛ اواز مسلمانان بالکان بود و به زبان‌های عربی، ترکی و فارسی تسلط داشته است؛ شرح مهم او بر دیوان حافظ در چهار مجلد به زبان ترکی یکی از بهترین و دقیق‌ترین شرح‌های دیوان حافظ است که به فارسی نیز ترجمه شده است.



من کامل

## مضامین کلیشه‌ای؛ چالش شعر امروز

فرهاد عابدینی، منتقد ادبی در گفت‌وگو با «جام جم» به بررسی دلایل کم‌رنگ شدن تأثیرگذاری شعر در دنیای امروز پرداخته است



وقتی شعری از یک شاعر مطرح در نشریه‌ای به چاپ می‌رسد، دنبال‌کنندگان بسیاری داشت. ولی امروز با موضوعات کلیشه‌ای در برخی اشعار روبه‌رو می‌شویم که چون از دل برنیامده، طبعاً بر دل هم نمی‌نشیند. مسأله دیگر این‌که جای نقدهای اصولی و به‌دور از غرض‌ورزی در ادبیات امروز ما به خصوص در حوزه شعر به شدت خالی است، این هم مزیدی بر دیگر علت‌هاست که موجب شده تا شعر در حاشیه قرار گیرد. از سوی دیگر، دغدغه‌های روزمره به قدری افزایش یافته که عامه مردم مجال کمتری برای پرداختن به شعر و ادبیات دارند؛ مگر عده معدودی که از سر ذوق و علاقه شخصی پیگیر روند فعالیت ادبیات

تیراز نشریات دهه‌های ۵۰ و ۴۰، برای مخاطبان امروز که باتیرازهای عمدتاً ۱۰۰ تا ۲۰۰ تایی و حتی کمتر از آن مواجه هستند، باورکردنی نیست. [۱] به نظر می‌رسد یک دلیل این‌که اغلب اشعار امروز آن‌طور که از میزان تأثیرگذاری بالا برخوردار نیستند، مضامین این اشعار باشد. یعنی گاه درونمایه این گروه از اشعار به‌گونه‌ای است که مخاطب با آن ارتباط برقرار نمی‌کند یا برخی از اشعار که بیشتر حالت حدیث نفس‌گویی دارد و محدود به واگو به‌های شخصی شاعر است تا طرح موضوعات روز و مبتلا به جامعه. نظر شما در این باره چیست؟

من هم با شما هم عقیده هستم که در سال‌های گذشته شعر از کارایی بیشتری برخوردار بود و

فرهاد عابدینی یکی از شاعران پرباقعه در حوزه ادبیات معاصر به‌شمار می‌رود. او سرودن شعر را از سال ۱۳۳۹ شروع کرد و تا امروز مجموعه اشعار متعددی از او به چاپ رسیده که کوچ پرنده‌ها،



آزاده صالحی  
گروه فرهنگ و هنر

آوردگاه، صدای سبز بلوط، شهری باران، چهل تاقه ابریشم، رد آبی، پژواک سرودن، گزینه اشعار و... برخی از این آثار هستند. عابدینی همچنین بیش از سه دهه است که با تأسیس «گروه شعر معاصر» به برگزاری ماهانه جلسات شعر می‌پردازد و از این رهگذر، محفلی را برای گردهمایی شاعران مطرح و جوان به وجود آورده است. با او درباره جایگاه فعلی شعر در شرایط کنونی به گفت‌وگو نشستیم.

[۲] با وجود این‌که تعداد شاعران در سال‌های اخیر افزایش یافته، ولی به‌زعم منتقدان ادبی، شعر در شرایط کنونی و در مقایسه با گذشته تأثیرگذاری خود را تا حدود زیادی از دست داده است. دیدگاه شما نسبت به این مسأله چیست؟

به نظر من چندعامل در کم‌رنگ شدن کارکرد شعر در شرایط کنونی مؤثر است، یکی فضای مجازی است که عرضه اشعار را آسان کرده است. در گذشته، صفحات شعر در نشریات ادبی به دست شاعران چیره‌دست و در عین حال نامداری چون فریدون مشیری، نصرت رحمانی، احمد شاملو و... منتشر می‌شد و هرکدام از این چهره‌ها برای انتشار اشعار شاعران جوان، معیارهای مخصوصی داشتند اما امروز یک فرد به راحتی می‌تواند با باز کردن یک صفحه شخصی در اینستاگرام اشعارش را در معرض دید عموم قرار دهد، بی‌آن‌که این اشعار از استحکام و محتوای مطلوبی برخوردار باشند. نکته دیگر، تیراز یا لای نشریات در سال‌های گذشته بوده است. به عنوان مثال، مجله فردوسی در زمان خود باتیراز ۵۰ هزار تایی به چاپ می‌رسید و طیف گسترده‌ای از علاقه‌مندان به ادبیات، از این نشریه و دیگر نشریات هم‌ردیف آن استقبال می‌کردند. ضمن این‌که آمار

#### برش

### درخشان‌ترین دوره شعری در چهار دهه اخیر

به نظر دهه ۷۰، بهترین دهه برای شعر معاصر ما به‌شمار می‌رود. به اعتقاد من در آن دهه، نه تنها شعر از بالندگی و شکوفایی زیادی برخوردار شد که دوره طلایی نشریات ادبی هم تلقی می‌شد و نشریات رونق زیادی یافتند اما به تدریج این روند کم‌رنگ شد. به قول زنده‌یاد محمد حقوقی: مهم‌ترین ویژگی شاعر، مداومت اوست، طبعاً اگر شاعر در مسیر شعری خود استمرار نداشته باشد، در همان مجموعه شعر اول خود دفن می‌شود. این هم یکی از دلایل این پیرش است که چرا جریان شعری معاصر در قیاس با دوره‌های قبل یا نمی‌گیرد و تأثیرگذاری لازم را هم در جامعه ندارد.

معاصر هستند. شبکه توزیع در حوزه نشر هم در سال‌های اخیر از شرایط ناسامانی برخوردار بوده و این امر باعث شده تا کتاب‌های خوب کمتر دیده یا اصلا دیده نشود. من شعر را با گروه شعری مرحوم نادر نادریور شروع کردم و اولین کتاب من در سال ۱۳۵۲ چاپ شد و در عرض شش ماه، ۱۰۰۰ نسخه آن به اتمام رسید اما در همان دوره، هرکدام از نشریات ادبی به شکل هفتگی، یک نقد درباره اشعار چاپ شده شاعران جوان و پیشکسوت منتشر می‌کردند و شاعرانی که تازه در ابتدای این مسیر بودند، می‌توانستند بازخورد کار خود را در لایه‌های این نقدها دریافت کنند. امروز کمتر نشریه‌ای را چه در حیطه روزنامه یا مجله می‌بینیم که صفحه شعر داشته باشد. در نتیجه، شاعران امروز عیار مشخصی ندارند تا به نقاط ضعف و قوت کار خود پی ببرند.

[۳] با این اوصاف حیف است که شعر معاصر ایران که در ۱۰ سال اخیر فرازهای زیادی داشته؛ امروز از جهانی‌شدن بازماند و چندان که باید در معرض معرفی و شناخت مخاطبان کشورهای دیگر قرار نگیرد.

بدون شک، ایران یکی از کشورهایی است که از گذشته‌تر تا امروز به‌عنوان سرزمین شعر شناخته می‌شود و غنای ادبی‌مان یکی از بزرگ‌ترین افتخارات ما به‌شمار می‌رود. البته در این سال‌ها به همت و کوشش برخی از پژوهشگران داخلی و خارجی، بخش اعظمی از ادبیات کلاسیک مانند شعر شاعران بزرگی چون فردوسی، حافظ، مولانا، سعدی، خیام و... به جهان معرفی شده است. حالا اگر شعر معاصر ما کمتر مجالی برای شناخت در مجامع بین‌المللی پیدا کرده، یک دلیلش افراط و تفریط شاعران است. به عنوان مثال، هنوز هستند شاعرانی که در قالب غزل، اشعاری به شیوه قرن چهارم می‌گویند! طبعاً چنین اشعاری دیگر برای مخاطب الان جذابیتی ندارد. یا از آن طرف، با بعضی از اشعار مواجه هستیم که به‌بهانه مدرن بودن، از محتوا تهی هستند و مخاطب به هیچ‌وجه نمی‌تواند درک کند که مقصود شاعر از سرودن این شعر چه بوده است. درحالی‌که کارکرد معمول شعر این است که عواطف و اندیشه مخاطب را تحت الشعاع خود قرار دهد، ولی چندان که اشاره کردم، درحال حاضر به ندرت به چنین شعری برمی‌خوریم.